

## حوادث ۱۹ جام جم

#### تلنگر

### محاکمه مشت آهنی

پسر مشت آهنی که با ضربه به صورت رقیب عشقی اش باعث شکستگی جمجمه و فلج شدن وی شده بود، دیروز پای میز محاکمه ایستاد و ادعا کرد نمی دانسته چنین مشت سنگینی دارد.

به گزارش خبرنگار جام جم، علی ۲۴ ساله اوایل تابستان سال گذشته به دنبال درگیری با رقیب عشقی اش به نام پیمان در خیابان زرتشت تهران با مشت به صورت وی کوبید و موجب شکستگی جمجمه و فلج شدن وی شد. این پسر دیروز در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و گفت: با توجه به نظریه پزشکی قانونی که اعلام کرده است پیمان به خاطر شکستگی جمجمه و آسیب دیدگی مغز دیگر قادر به انجام هیچ حرکتی نیست برای علی تقاضای اشد مجازات دارم.

سپس وکیل مدافع شاکی به دفاع پرداخت و گفت: موکلم به خاطر مشت آهنی متهم، فلج و بدنش املس شده و قادر به هیچ حرکتی نیست.

من از طرف او تقاضای دیه دارم.

سپس علی در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: مدتی بود با دختر ۱۴ ساله ای به نام نیلوفر آشنا شده بودم. من عاشق او بودم و می خواستم با او ازدواج کنم. اما او می گفت پیمان مزاحمش شده و دست از سرش برنمی دارد. چند بار از نیلوفر خواستم به تماس های پیمان پاسخ ندهد اما نیلوفر می گفت او شرایط خوبی دارد و اگر به خواستگاری اش برود ممکن است به پیمان جواب مثبت بدهد. من که از شنیدن این حرف ناراحت شده بودم از نیلوفر خواستم با پیمان قرار بگذارد. همراه نیلوفر به خیابان زرتشت رفتم. وقتی پیمان به آنجا آمد، او درگیر شد. او با چاقو به سمت من حمله کرد و من هم یک مشت به سر او زدم اما فکر نمی کردم مشتم آن قدر سنگین باشد که موجب شکستگی جمجمه او شود.

وی ادامه داد: باور کنید من پیمان را نمی شناختم و خصوصتی با او نداشتم. من تحت تاثیر حرف های نیلوفر و به خاطر عشق و علاقه زیادی که به او داشتم دست به این کار زدم. حالا پشیمانم و تقاضای بخشش دارم.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به درخواست شاکی پرونده علی را به پرداخت دیه، پنج سال زندان و دو سال تبعید محکوم کردند.

### مرگ مشکوک مرد همسایه

#### در خانه زن تنها

مرد مهمان زمانی که برای قرض گرفتن پول به خانه زن مغازه دار رفت، به طور مشکوکی فوت کرد و زن صاحبخانه بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، چند روز پیش یکی از ماموران انتظامی با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و گفت از مرگ مشکوک مرد میانسالی در یکی از بیمارستان های پایتخت خبر داد. همزمان با دستور قضایی، ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا در آنجا حاضر شده و در تحقیقات اولیه از مسؤولان بیمارستان متوجه شدند که این مرد در خانه زن جوانی حالش بد شده و بعد از انتقال به بیمارستان فوت کرده است. همزمان با مرگ مشکوک او، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. پرونده ای در دادسرای جنایی تهران تشکیل و زن صاحبخانه با هماهنگی قضایی بازداشت و برای تحقیقات به دادسرای جنایی تهران منتقل شد. وی در جریان تحقیقات به بازپرس جنایی گفت: صاحب مغازه لباس فروشی هستم. مرد فوت شده به نام ساسان نیز مغازه دار همین صنف بود و همسایه مغازه ام بود. با هم درددل می کردیم و از شرایط زندگی یکدیگر باخبر بودیم. چند روز پیش متوجه شدم که دچار مشکلات مالی شده و بدی به می آورده است. بعد از آن چون مبلغی پول در حسایم بود، قرار شد به او قرض بدهم. وی افزود، روز حادثه مرد همسایه به خانه ام در غرب تهران آمد تا پول را به او قرض بدهم. در حال گفت و گو با هم بودیم که یک باره حالش بد شد و کف اتاق افتاد. خیلی ترسیده بودم و هر چه صدایش زدم پاسخی نداد. دستپاچه شده بودم و بعد با اورژانس تماس گرفتم و همسایه ها نیز آمدند. مرد میانسال به بیمارستان منتقل شد، اما فوت کرد. نمی دانم چرا این بلا سر او آمده بود. باور کنید در مرگ او نقشی نداشتم.

برای زن جوان در حالی قرار قانونی صادر شد که تحقیقات درباره مرگ مرد مهمان در پلیس آگاهی ادامه دارد.



و دختر کنار هم زندگی کنند. همچنین از افراد خیر در اصفهان که می توانند خانه شان را در اختیار آنها قرار دهند، می خواهم قدمی برای این مادر و دختر بردارند. یکی دیگر از تماس گیرنده ها نیز گفت: هر ماه بخشی از حقوق بازنشستگی ام را به این مادر می دهم تا بتواند اجاره خانه ای را بدهد.

#### ذره بین

### آزادی مأموران و دختر و پسر جوان

یک مقام آگاه به جام جم گفت:

ماموران بازرسی پلیس، دیروز پس از صحبت با شاهدان و بررسی فیلم های ضبط شده از محل درگیری، اعلام کردند هیچ تخلفی از سوی ماموران کلانتری صورت نگرفته و آنها با تذکر به پنج دختر و پسر از آنها خواسته بودند هنجارشکنی نکنند، اما آنها شروع به فحاشی و جوسازی کردند. پس از گزارش بازرسی و بررسی تمام جوانب ماجرا، دو مامور پلیس آزاد شدند.

در این رابطه مستندسازی کافی انجام و مشخص شد، ماموران در اجرای وظایف خود مرتکب قصور نشده اند و دختر و پسرانی که در محل در حال آپاشی بودند شروع به درگیری و جوسازی کردند. این افراد در اختیار پلیس بودند که روز سه شنبه با دستور قضایی آزاد شدند. مرکز اطلاع رسانی پلیس هم عصر دیروز اعلام کرد با دستور سردار رحیمی، بازداشت و عزل مأموران تا پایان تحقیقات متوقف شد.

اما در این مورد دوربین نداشتیم.

رئیس پلیس پایتخت درباره این که چطور پلیس مصرف مواد مخدر از سوی این افراد را بلافاصله تأیید کرد، گفت: هنگام حضور پلیس در محل این افراد وضعیت و رفتار عادی نداشتند و به طور کامل کشف حجاب کرده بودند.

## تماس خیرین با جام جم برای کمک به دختر شیرین زبان اصفهانی

پس از انتشار صحبت های دختر شیرین زبان اصفهانی که تماسش با اورژانس خیرساز شده بود، تعدادی از خوانندگان جام جم در تماس با گروه حوادث برای کمک به حل مشکل تبسم و مادرش اعلام آمادگی کردند. مشکل نداشتن سرپناه باعث شد تبسم و مادرش جدا از هم زندگی کنند و مادر دختر بچه دچار افسردگی شود. دیروز همزمان



### در گفت وگوی جام جم با رئیس پلیس تهران تشریح شد

# واقعیت ماجرای پارک پلیس

رئیس پلیس تهران جزئیات درگیری

ماموران با دختر جوانی در پارک پلیس و بازداشت دو مامور در این رابطه را تشریح کرد. این در حالی است که پس از گزارش بازرسی ناجا، دو مامور آزاد شده و پنج دختر و پسر هم پس از تحقیق قضایی به خانه بازگشتند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ماجرا از دوم تیر امسال و به دنبال انتشار فیلمی از برخورد

ماموران پلیس با دختر جوانی در فضای مجازی آغاز شد. فیلم هایی که این روزها زیاد منتشر می شود و در آنها گاهی زنی به خاطر تذکر به زن بدحجاب کتک می خورد و گاهی سربازی مورد حمله زنی قرار می گیرد

## توصیه های قاضی برای صلح و سازش

## در یک قتل ناخواسته

قضات دادگاه برای جلب رضایت اولیای دم راننده تاکسی که ناخواسته در درگیری با همکارش، او را کشته بود تلاش کردند.

به گزارش خبرنگار جام جم، تابستان ۹۷ راننده تاکسی به نام حسام ۲۷ ساله در درگیری با همکارش به نام رسول در خط یافت آباد کشته شد. بررسی ها نشان می داد رسول پس از زدن ضربه پیچ گوشتی به سر حسام از محل گریخته است.

تلاش برای دریابی رسول آغاز و وی چند روز بعد بازداشت شد.

رسول به درگیری خونین اعتراف کرد و در بازجویی ها گفت: من راننده تاکسی و از مدت ها قبل با حسام دوست بودم. من با رانندگی مخارج زندگی ام را تامین می کردم و می خواستم ازدواج کنم و زندگی ام را سر و سامان بدهم. آن روز چند مسافر را سوار ماشین کردم اما حسام که عصبانی شده بود جلو آمد و گفت نوبت او است تا مسافرها را به مقصد برساند. اواز مسافران خواست تا از ماشین من پیاده شوند. او مسافرها را پیاده کرد و من به خاطر رفاقتی که با حسام داشتم سکوت کردم ولی او چند دقیقه بعد ضربه ای به آینه ماشین زد که آینه شکست. من با پیچ گوشتی در حال درست کردن آینه ماشین بودم که حسام بار دیگر به سمت من حمله کرد. من می خواستم با پیچ گوشتی به دستش برزم که ضربه اشتباهی به سرش خورد و باعث مرگ او شد. من از ترسم فرار کردم تا این که بازداشت شدم.

در این میان شاهدان نیز تأیید کردند قربانی درگیری را شروع کرده و چند بار نیز با متهم درگیر شده بود.

به دنبال بازسازی صحنه جرم برای رسول کیفرخواست صادر و پرونده اش برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. قرار بود رسول به ریاست قاضی قربانزاده و با حضور یک قاضی مستشار محاکمه شود اما این جلسه به خاطر عدم حضور مادر قربانی که تنها ولی دم بود به روزهای بعد موکول شد. در این جلسه برادر قربانی که در دادگاه حاضر شده بود گفت: مادرم کهولت سن دارد و بیمار است. به همین خاطر من به دادگاه آمده ام و کارهای مربوط به او را انجام می دهم. کشته شدن برادرم داغ بزرگی بر دل ما بود، به همین خاطر مادرم تقاضای قصاص کرده است.

در این میان قاضی قربانزاده، از وی خواست با مادرش صحبت کند و او را به مصالحه دعوت کرد.

قاضی قربانزاده گفت: بررسی پرونده نشان می دهد این قتلی با برنامه ریزی قبلی نبوده و به دنبال درگیری اتفاقی رخ داده است. متهم، جوانی است که با مسافرکشی روزگار می گذرانده و برای تامین مخارج زندگی اش بر سر مسافر با قربانی درگیر شده است. شاهدان نیز گفته اند مقتول اولین کسی بوده که درگیری را شروع و چند بار به متهم حمله کرده است. به همین خاطر حتی ممکن است جای قاتل و مقتول عوض می شد و متهمی که حالا در دادگاه است در جای قربانی قرار می گرفت. به همین خاطر شما را به مصالحه دعوت می کنم و می خواهم با مادرتان صحبت کنید تا او حاضر به گذشت شود. چرا که خداوند نیز در قرآن فرموده است بخشش بهتر است. اگر گمان می کردم حضور متهم در جامعه ممکن است خطر آفرین باشد هرگز شما را به گذشت از خونخواهی دعوت نمی کردم.

با پایان صحبت های قاضی پرونده، برادر مقتول قول داد با مادرش در این زمینه صحبت کرده و نظر قطعی اش را در جلسه بعدی اعلام کند.

### دستگیری ۵۶۱ سارق و مالخر در پایتخت

## توطئه شیشه ای یک زن برای طلاق از شوهر

۵۶۱ سارق و مالخر در بیست و ششمین مرحله از طرح رصد پلیس تهران دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، بیش از ۴۰۰ نفر از دستگیرشدگان دارای سوابق هستند که برخی از این افراد برای چندمین بار دستگیر شدند. به گفته رئیس پلیس تهران، ارزش اموال مسروقه کشف شده بیش از هشت میلیون و ۴۰۰ میلیون تومان است که در پی بررسی های انجام شده صاحبان ۸۷ درصد اموال شناسایی شده اند. همچنین در این مرحله از طرح رصد، پنج قیضه سلاح گرم و ۳۹ قیضه سلاح سرد کشف شد.

در این طرح، سارقی دستگیر شد که سلاحی شبیه خودکار داشت. این سارق در زمان سرقت لوازم داخل خودرو در خیابان سنایی دستگیر شد. پلیس در بازرسی مخفیگاه او لوازم سرقتی و سلاحی شبیه خودکار پیدا کرد که تحقیقات در رابطه با این خودکار ادامه دارد.

## ۳ روز مهمان خانه مالباخته

می گوید وضع مالی اش خوب است و به خاطر علاقهای که به عتیقه دارد وارد این باند شده و با سازقان همدست شده بود.

همدستانش سه روز با خیال راحت در خانه مرد ثروتمند بودند و هر چه وسایل با ارزش در آنجا بود را سرقت کردند.

به چه اتهامی دستگیر شدی؟

خرید اموال سرقتی.

سابقه داری؟

نه اولین بار است. یکی از دوستانم برایم چند قطعه عتیقه آورد و وسوسه شدم آن را بخرم. می دانستی سرقتی است؟

از کجا سرقت شده بود؟

دوستم و همدستانش متوجه می شوند که مردی برای سفر به آمریکا رفته و وسایل با ارزشی در خانه ویلایی اوست. به همین خاطر وارد خانه ویلایی در شمال تهران شده و سه روز آنجا بودند.

در این سه روز چه می کردند؟

هر چه وسایل قیمتی در آنجا بود را سرقت کردند.

## پاپوش عجیب یک زن برای شوهرش



چقدر مواد در کیفش گذاشتی؟

حدوده ۵۰ گرم.

مردانی، مجازات حمل این مقدار شیشه چیست؟

من به گفتند حبس ابد، البته تا قبل از دستگیری نمی دانستم.

مواد را از کجا تهیه کردی؟

با کمک یکی از بستگانم خریدم.

چطور نقشه را عملی کردی؟

در پارک مواد را داخل کیف همسرم انداختم و بعد با پلیس تماس گرفتم و مشخصات او را دادم.

ماجرا چطور لو رفت؟

وقتی التماس های همسرم را دیدم که سعی می کرد به مامور با یگویی بی گناه است دچار عذاب وجدان شده و واقعیت را گفتم.